

تصدیق، تألیف و یا تحریف عهدین از منظر قرآن*

محمد صحاف کاشانی (نویسنده مسؤول)^۱

سید هادی شهیدی فیاض^۲

چکیده:

یکی از مسائل اجماعی میان مفسران قرآن و علمای اسلام از دیرباز تا کنون، اعتقاد به تحریف عهدین می‌باشد. این آموزه چندی است که مورد تردید قرار گرفته و برخی از محققان معتقد هستند در قرآن هیچ آیه که نشان دهد عهدین تحریف شده، یافت نمی‌شود و قرآن، عهدین را تصدیق می‌کند. این در حالی است که اگر به صورت مصداقی، آیات قرآنی را که به عهدین ارجاع داده شده، بررسی کنیم، می‌یابیم که قرآن تمام محتوای موجود در عهدین را تصدیق ننموده و برخی از محتواهای موجود عهدین از نظر قرآن مردود است. از همین رو در این تحقیق تلاش شده به صورت مصداقی، آیاتی از قرآن را که به نحوی ارجاع به عهدین دارد، مورد بررسی قرار دهیم تا به درک کامل‌تری از دیدگاه قرآن نسبت به عهدین دست یابیم. پرسش اصلی ما در این تحقیق آن است که دیدگاه قرآن درباره عهدین چگونه است؟ آیا قائل به تصدیق، تألیف (جعل) و یا تحریف عهدین است؟

کلیدواژه‌ها:

قرآن / عهدین / تحریف / تصدیق / تألیف.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۹، تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۱/۱۵.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2023.65321.3647

۱- دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه، دانشجوی پسادکتری پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

mskashani@chmail.ir

shahidiseyyedhadhi@gmail.com

۲- دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه

Confirmation, Fabrication or Distortion of the Old and New Testaments (the Bible) from the Perspective of the Qur'an

Muhammad Sahhaf Kashani¹
Sayyid Hadi Shahidi Fayyaz²

One of the issues of consensus among the Qur'an interpreters and Islamic scholars since early times is the belief in the distortion of the Bible (consisting of the Old and New Testaments). This doctrine has been doubted for a long time and some researchers believe that there is no verse in the Qur'an showing that the Bible has been distorted, and that the Qur'an confirms the Bible. Whereas, if we examine the Qur'anic verses that are evidentially referred to the Bible, we find that the Qur'an has not confirmed all the contents of the Bible and that some of its contents are rejected by the Qur'an. Thus, we have attempted in this research to evidentially examine the verses of the Qur'an that in some way refer to the Bible in order to achieve a more complete understanding of the Qur'an's viewpoint regarding the Bible. Our main question in this research is: "What is the Quran's viewpoint about the Bible?" Does it maintain the confirmation, fabrication (*ja'f*), or distortion of the Bible?

Keyword: the Qur'an, the Bible, distortion, confirmation, fabrication.

1. Level Four Hawza Graduate, Post-Doctoral Student, Islamic Sciences and Culture Academy.
2. Level Four Hawza Graduate.



یکی از مسأله‌های رایج در میان محققان، دیدگاه قرآن درباره عهدین است. در این مسأله چند دیدگاه رایج است. برخی معتقد به تصدیق عهدین از منظر قرآن هستند و آیاتی را که به مصدق بودن قرآن بر عهدین اشاره دارد، به‌عنوان شاهد مثال ارائه می‌کنند و تمامی آیاتی را که اشاره به تحریف قرآن دارد، به تحریف معنوی تفسیر می‌کنند. دسته‌ای از محققان نیز معتقد به مجعول بودن عهدین هستند و معتقدند که اصولاً عهدین موجود نمی‌تواند همان کتابی باشد که خداوند به انبیایی چون حضرت موسی و عیسی علیه‌السلام نازل کرده باشد. در حقیقت نویسندگانی بشری کتاب‌هایی را از ابتدا تا انتها تدوین کردند و بعدها این کتاب‌ها به‌عنوان متن مقدس در میان جوامع مسیحی و یهودی رایج شده است، و عهدین موجود در حقیقت کتاب‌هایی بشری هستند که توسط نویسندگانی بشری تألیف شدند و ارتباطی با تورات و انجیل نازل‌شده خداوند به انبیای الهی ندارند؛ گرچه ممکن است آیاتی از کتاب اصلی در این کتاب کاملاً مجعول تضمین شده باشد. اما دسته سوم نیز معتقدند طبق دیدگاه قرآن، خدا به انبیایی چون حضرت موسی و عیسی علیه‌السلام کتاب‌هایی نازل کرده و بخشی از این کتاب‌ها در طول تاریخ همچنان دست نخورده باقی مانده و قرآن نیز قسمت‌هایی از تورات و انجیل را تصدیق نموده، اما طبق دیدگاه قرآن، بخشی از آن دستخوش تحریف شده است و این تحریف هم در حذف برخی از محتوای متون اصلی رخ داده، و هم منجر به اضافه کردن و ویرایش کردن محتواهایی جدید به این متون شده است. از طرفی، این اختلاف دیدگاه بین محققان اسلامی دستخوش سوء استفاده برخی از مبشران مسیحی نیز قرار گرفته و کتاب‌های متعددی را به نگارش درآوردند تا با استناد به برخی از آیات متشابه در این زمینه، به مسلمانان نشان دهند که قرآن کتابی دعوت‌گر به نصرانیت می‌باشد. (رک: دره حداد، ۱۹۸۶) این تحقیق در صدد آن است که نشان دهد دیدگاه قرآن نسبت به عهدین بینابین است و نه کاملاً آن را تصدیق می‌کند و نه اعتقاد به مجعول بودن آن دارد. طبق دیدگاه قرآن، بخشی از عهدین موجود مطمئناً مورد تأیید قرآن است و بخشی از آن قطعاً مورد انکار قرآن قرار دارد.



۱. تصدیق عهدین از منظر قرآن

در قرآن آیاتی وجود دارد که نشان از تصدیق کتاب مقدس دارد؛ «تَزَلَّ عَلَيْكَ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ» (آل عمران: ۳)، «مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْ مِنَ التَّوْرَةِ» (آل عمران: ۵۰). این آیات نشان می‌دهد که قرآن به نوعی تصدیق‌کننده تورات و انجیل می‌باشد. اما نوعی اجمال در آن نهفته است و مشخص نیست منظور از این تصدیق، آیا تورات و انجیل موجود در زمان نزول قرآن است، و یا تورات و انجیلی که بر حضرت موسی و عیسی علیه السلام نازل شده است؟ با بررسی بیشتر در آیات قرآن می‌یابیم که از نظر قرآن، آن کتابی که بر حضرت موسی و عیسی علیه السلام نازل شده است، مصداق نور و هدایت می‌باشد؛ چنان‌که می‌فرماید: «الْكِتَابُ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ» (انعام: ۹۱). همچنین قرآن درباره تورات می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ» (مائدة: ۴۴) و نیز درباره انجیل بیان می‌کند: «آتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ» (مائدة: ۴۶). در این آیات بیشتر اشاره به تورات و انجیل اصلی است که به حضرت موسی یا حضرت عیسی علیه السلام نازل شده است و نه کتاب کنونی.

همچنین با بررسی آیاتی که قرآن را تصدیق‌کننده کتاب مقدس می‌داند، می‌یابیم که قرآن صرفاً بخشی از کتاب را تصدیق نموده و این آیات، کل کتاب مقدسی را که در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم موجود بوده، تصدیق نمی‌کند، بلکه با تعبیر «فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ» (مائدة: ۴۳)، نشان می‌دهد که در این کتاب حکم خدا وجود دارد و نه اینکه کل این کتاب کلام خداست، و از پیامبر می‌خواهد که صرفاً با آن بخشی از انجیل که خدا نازل کرده، میان مسیحیان داوری نماید؛ «وَلِيَحْكُمَ أَهْلَ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ» (مائدة: ۴) و از یهودیان و مسیحیان می‌خواهد که تورات و انجیل را اقامه کنند؛ «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ» (مائدة: ۶۸).

مطابق با این آیات، بخش‌های زیادی از تورات و انجیل کاملاً مورد تصدیق قرآن هستند؛ از جمله بخش‌های بسیاری از داستان‌های پیامبران؛ مانند داستان حضرت یوسف (سوره یوسف و پیدایش، فصل ۳۷-۴۷)، و یا بشارت فرشته به زکریا برای تولد یحیی در کهنسالی (آل عمران: ۳۹ و لوقا، ۱۱/۱-۱۳)، استغفار فرشتگان برای انسان‌ها (شوری: ۵ و لوقا، ۱۵/۱۰)، قسم نخوردن به نام خدا (بقره: ۲۲۴ و خروج ۲۰: ۷)، اطاعت از والدین (اسراء: ۲۳-۲۴ و خروج، ۱۲/۲۰)، وجود فرشتگان نگهبان (انعام: ۶۱ و خروج، ۲۰/۲۳) و ...

اما قرآن در کنار مصدق بودن، خود را مهیمن تورات و انجیل نیز می‌داند و در سوره مائده می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ» (مائده: ۴۸). علامه طباطبایی در تفسیر این واژه می‌گوید: «مهیمن» از ماده «هیمنه» گرفته شده و به‌طوری که از موارد استعمال آن برمی‌آید، معنای هیمنه چیزی بر چیز دیگر این است که آن شیء مهیمن بر آن شیء دیگر تسلط داشته باشد. البته هر تسلطی را هیمنه نمی‌گویند، بلکه هیمنه تسلط در حفظ و مراقبت آن شیء و تسلط در انواع تصرف در آن است، و حال قرآن که خدای تعالی در این آیه در مقام توصیف آن است، نسبت به سایر کتب آسمانی همین حال است.» (طباطبایی، ۱۳۵۸: ۳۴۸/۵)

در حقیقت خدا می‌خواهد بیان فرماید که قرآنی که بر پیامبر نازل شده، بر متون مقدس قبلی سلطه و هیمنه دارد و این هیمنه به این معناست که محتوای عهدین تنها در صورتی قابل قبول هستند که معارض با قرآن نباشند. و قرآن به‌نوعی تحریفات عهدین را کنار می‌زند و مطالب صحیح آن را مورد تصدیق قرار می‌دهد.

۲. تفاوت تورات و انجیل مورد نظر قرآن، با تورات و انجیل فعلی

قرآن کریم بر نزول وحی بر انبیا، به‌خصوص حضرت موسی و عیسی علیهم‌السلام تأکید می‌فرماید بعثت حضرت موسی علیهم‌السلام را ادامه «ارسال رسل و انزال کتب» خوانده و می‌فرماید: «إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا... وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا» (نساء: ۱۶۳-۱۶۴). همچنین قرآن به‌صراحت تورات و انجیل را کتابی آسمانی می‌خواند که برای هدایت مردم از سوی خداوند نازل شده است: «وَأَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنْ قَبْلِ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنْزَلْنَا الْفُرْقَانَ...» (آل عمران: ۳-۴). بنابراین می‌توان گفت قرآن معتقد است که تورات اصلی کتاب نازل شده از طرف خداوند است، نه یک کتاب دست‌نوشته بشر، و همچنین از دیدگاه قرآن، به حضرت موسی علیهم‌السلام کتابی نازل شده «الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى» (انعام: ۹۱) و در تورات حکم خدا وجود دارد (مائده: ۴۳). اما تورات کنونی نمی‌تواند همان کتابی باشد که بر موسی علیهم‌السلام نازل شده است و محققان کتاب مقدس چنین ادعایی را نمی‌پذیرند. (اسپینوزا، ۱۳۸۷: ۸۹-۱۰۳) گرچه برخی از محتوای تورات اصلی در آن حفظ شده است و قرآن نیز این مطلب را تأیید می‌کند (مائده: ۴۳، آل عمران: ۵۰).



همچنین در نگرش اسلامی، انجیل به شکل کتاب بر حضرت عیسی علیه السلام نازل شده (طباطبایی، ۱۳۵۸: ۱۹۸/۳) و نه صرفاً مجموعه‌ای از وحی‌هایی که بر آن حضرت نازل شده است. (همان، ۳۴۶/۵) افزون بر ظواهر قرآنی، در روایات متعددی نیز از انجیل به‌عنوان کتابی آسمانی که به شکل الواح و ورقه‌ها بر حضرت عیسی علیه السلام نازل شد، یاد گردیده است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۱۵/۱) خود عهد جدید نیز قبل از نگارش اناجیل موجود، به انجیل عیسی علیه السلام اشاره می‌کند. عیسی مسیح از مردم می‌خواهد تا زمان دیر نشده، به انجیل (εὐαγγέλιον) او انگلیو) ایمان بیاورید (مرقس، ۱۵/۱) و فرمود لازم است انجیل بر تمام ملت‌ها موعظه شود (مرقس، ۱۰/۱۳)، چنان‌که در فصل اول رساله پولس به رومیان، در آیه اول از انجیل خدا (εὐαγγέλιον Θεοῦ) او انگلیو (εὐαγγέλιον τοῦ Υἱοῦ) او انگلیو تو هویو) سخن (تثو)، در آیه نهم از انجیل پسرش (εὐαγγέλιον τοῦ Υἱοῦ) او انگلیو تو هویو) سخن به میان آمده است. عبارت انجیل مسیح (εὐαγγέλιον τοῦ Χριστοῦ) او انگلیو تو کریستو) نیز آیه دوازدهم از باب نهم اول قرن‌تین آمده است.

و انجیل تصدیق‌شده قرآن، انجیلی است که بر خود عیسی علیه السلام نازل شد. نه مسلمانان چنین ادعایی دارند که انجیل کنونی همان انجیل نازل‌شده به حضرت عیسی علیه السلام است، و نه مسیحیان چنین ادعایی را می‌پذیرند، از این رو قرآن انجیلی را تصدیق کرده که به حضرت عیسی علیه السلام نازل شده و مطمئناً این انجیل نیست؛ گرچه برخی از مطالب انجیل مورد نظر قرآن در آن حفظ شده است.

۳. موارد تحریفی عهدین از نظر قرآن

۳-۱. تحریف تفسیری کلام خدا توسط اهل کتاب

برخی از آیات قرآن، اهل کتاب را به‌خاطر تحریف کلمات از مواضعشان و تفسیرهای نابجا از تورات، مورد نکوهش قرار می‌دهد. از جمله می‌فرماید: «وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرَفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (بقره: ۷۵). این آیات اشاره به تحریف معنایی و تفسیری کلام خدا توسط یهودیان دارد و آیات دیگری نیز اشاره به تحریف تفسیری قرآن دارد. از جمله در سوره نساء بیان شده: «مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمِعْ غَيْرَ مُسْمِعٍ وَرَاعِنَا لِيَا بَالْسِتِّهِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمِعْ وَانظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمًا» (نساء: ۴۶)، همچنین در سوره مائده آمده: «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا دُكِّرُوا بِهِ» (مائده: ۱۳).

از نمونه گفته‌های یهود که اشارتی به تحریف تفسیری دارد، عبارت‌اند از: عدم مداخله خداوند در هستی پس از خلقت (مائده: ۶۴)، تقلیل عذاب یهود به مدت چند روز (بقره: ۸۰، آل عمران: ۲۴)، قول به رابطه پدر و فرزندی قوم یهود با خداوند (مائده: ۱۸)، پسر خدا دانستن عزیر (توبه: ۳۰)، حلال کردن مال غیریهود بر یهود (آل عمران: ۷۵)، تعطیل حکم رجم زانیه (آل عمران: ۲۳)، اخذ فدیه برای آزادی اسیر (بقره: ۸۵). برخی از ادعاهای نادرست مسیحیان از دیدگاه قرآن نیز شامل این موارد است: تصور رابطه پدر و فرزندی نصارا با خداوند (مائده: ۱۸)، پسر خدا شمردن مسیح عَلَيْهِ السَّلَامُ (توبه: ۳۰)، باور به تثلیث (مائده: ۷۳، نساء: ۱۷۱).

۳-۲. تحریف به حذف

در برخی از آیات قرآن بنی‌اسرائیل به‌خاطر حذف، کتمان یا مخفی کردن برخی از آیات کتابشان مورد نکوهش قرار گرفتند. از جمله قرآن، اهل کتاب را به‌خاطر مخفی کردن کتاب‌هایشان سرزنش نموده و ایشان را به‌خاطر کتمان برخی آیات الهی لعن می‌کند؛ «أَنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ» (بقره: ۱۵۹). همچنین در سوره انعام می‌فرماید: «قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَىٰ نُورًا وَهُدًىٰ لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَأِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُحْفُونَ كَثِيرًا» (انعام: ۹۱). برخی از مواردی که یهودیان از کتابشان حذف کردند، از این قرار است:

۱- در قرآن اشاره شده که در تورات و انجیل بشاراتی به ظهور پیامبر اسلام داده شده و این بشارات همچنان وجود دارد (انجیل یوحنا، ۱۹/۱ و تثنیه، ۱۸/۱۸). اما در قرآن مجید ذکر شده که برخی از خصوصیات پیامبر اسلام و یارانش در تورات و انجیل مذکور است که این خصوصیات در تورات و انجیل کنونی به‌دست نمی‌آید؛ از جمله در سوره اعراف آمده است: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَجْلُلْ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف: ۱۵۷). همچنین در سوره فتح درباره ویژگی‌های پیامبر اسلام و یارانش در تورات و انجیل صحبت شده و می‌فرماید: «مَحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَرَّعٍ أَخْرَجَ شَطَاةَ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ» (فتح: ۲۹). گرچه بشاراتی به پیامبر اسلام در عهدین موجود وجود دارد، اما این خصوصیات را نمی‌توان یافت.



۲- قرآن می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ» (توبه: ۱۱۱)، اما در تورات و انجیل کنونی وعده‌ای داده نشده که خدا مجاهدان با جان و مال را به بهشت رهنمون سازد. این مطلب امروزه در کتاب مقدس یافت نمی‌شود.

۳- همچنین در قرآن بیان شده: «مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: ۳۲). این مطلبی که خداوند می‌فرماید بر بنی‌اسرائیل نوشتیم، در تمامی کتاب‌هایی که امروزه مسیحیان و یهودیان کلام خدا می‌دانند، یافت نمی‌شود.

۳-۳. تحریف به اضافه

از آیات قرآن چنین برمی‌آید که یهودیان نه تنها بسیاری از آیات را مخفی ساختند، بلکه مرتکب خطایی بزرگ‌تر نیز شدند و آیات زیادی را ساخته و به‌عنوان کلام خدا به دیگران معرفی کردند. خداوند در سوره بقره می‌فرماید: «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» (بقره: ۷۹). علامه حلی این آیه را دلیل بر تحریف متون آسمانی پیشین می‌داند. (حلی، ۱۴۱۲: ۲/۹۸۲)

این آیه با صراحت از گروهی نام می‌برد که «الکتاب»^۱ را با دست خود نوشتند و آن را کلام خدا معرفی نمودند.^۲ این افراد همان اهل کتابی هستند که به خدا دروغ نسبت دادند؛ «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ... وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا» (انعام: ۲۰-۲۱). خداوند به پیامبر می‌فرماید به آنها بنگر که چگونه بر خدا افترا و دروغ می‌بندند: «انظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ» (نساء: ۵۰)، و می‌فرماید: «وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤُونَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (آل عمران: ۷۸).

فخر رازی نیز با قائل شدن به تفاوتی ظریف میان تعبیر «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» (نساء: ۴۶) و «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ» (مائده: ۴۱)، اولی را ناظر به تأویلات فاسد و تحریف معنایی، و دومی را ناظر به تغییر لفظ و معنا با هم، دانسته است. (فخر رازی، بی تا: ۹۳/۱۰)

اما باید توجه داشت این موارد شامل تمام متون آسمانی پیش از اسلام نمی‌شود و چنان‌که پیش از این توضیح داده شد، بسیاری از بخش‌های عهدین مورد تأیید و تصدیق قرآن قرار دارد و قرآن به همان کتابی که در زمان نزول در دسترس مسیحیان و یهودیان بوده، ارجاع می‌دهد (مائده: ۶۸).

۴. موارد مردودی عهدین از نظر قرآن

برخی از مهم‌ترین مواردی که در کتاب مقدس وجود دارد، ولی از نظر قرآن این مطالب اشتباه است، از این قرار است:

۴-۱. عصمت انبیا

قرآن انبیا را معصوم می‌داند. در روایت قرآنی، وقتی خداوند متعال آدم را می‌آفریند، شیطان می‌گوید من همه بندگان تو را گمراه می‌کنم، مگر عباد مخلص تو که بر آنها تسلطی ندارم (حجر: ۳۹-۴۰). طبق دیدگاه قرآن، انبیا مصداق عباد مخلص خداوند هستند. قرآن بیشتر انبیا را با تعبیری نظیر «إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» (یوسف: ۲۴) یاد می‌کند. عصمت انبیا یکی از اعتقادات قطعی اسلامی است (شریف مرتضی، ۱۴۰۷: ۱۴۱/۳؛ مظفر، ۱۹۷۶: ۱۷/۲)، ولی از آن سو می‌بینیم که کتاب مقدس به همان انبیایی که در قرآن به‌عنوان عباد مخلص معرفی شده‌اند و گفته می‌شود که شیطان به آنها دسترسی ندارد، نسبت گناه و فریب شیطان می‌دهد؛ مثل نسبت‌هایی که به حضرت لوط علیه السلام، (پیدایش، ۳۶-۳۰/۱۹)، زنا با زن شوهردار به حضرت داوود علیه السلام (دوم سموئیل، ۱۱/۱-۱۷)، بت‌پرستی به حضرت سلیمان علیه السلام، (اول پادشاهان، ۴/۱۱-۸)، ساختن گوساله طلایی به حضرت هارون علیه السلام، (خروج، ۴/۳۲) و مستی به حضرت نوح علیه السلام (پیدایش، ۲۱/۹) می‌دهد. مسلماً چنین نسبت‌هایی مورد تأیید قرآن نیست و آنها را به‌شدت نفی می‌کند.

۴-۲. بت‌پرستی سلیمان علیه السلام

در کتاب مقدس درباره حضرت سلیمان علیه السلام آمده است: «زنانش دل او را برگردانیدند. و در وقت پیری سلیمان واقع شد که زنانش دل او را به پیروی خدایان غریب مایل ساختند و دل او مثل دل پدرش، داوود با یهوه، خدایش کامل نبود. پس سلیمان در عقب عَشْتُورَت، خدای صیدونیان و در عقب مَلِکُوم، بت عمونیان رفت. و سلیمان در نظر خداوند شرارت ورزید، مثل پدر خود، داوود از خداوند پیروی کامل



نکرد. آن‌گاه سلیمان در کوهی که روبه‌روی اورشلیم است، مکانی بلند برای کُمُوش که بت موآبیا است و برای مولک، بت بنی‌عمون بنا کرد. و همچنین به میل همه زنان غریب خود که برای خدایان خویش بخور می‌سوزانیدند و قربانی‌ها می‌گذراندند، عمل کرد.» (اول پادشاهان، ۱/۱۱-۸)

این در حالی است که قرآن به شدت انتساب بت‌پرستی را از حضرت سلیمان علیه السلام نفی کرده و می‌فرماید: «وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا» (بقره: ۱۰۲).

۳-۴. زناى داوود علیه السلام

در کتاب مقدس آمده است که داوود علیه السلام بعد از ارتکاب زنا با بتشع، همسر اوریاى و فرزنددار شدن وی، اوریا را می‌کشد، سپس با بتشع ازدواج می‌کند (دوم سموئیل، ۲/۱۱-۲۷)، این در حالی است که در روایات نیز به شدت این داستان نفی شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرماید: «هر کسی گمان کند که حضرت داوود با زن اوریا ازدواج کرده است، دو گونه حد بر او جاری می‌کنم: حدی را به خاطر نسبت ناروای زنا، و حدی را به خاطر هتک مقام نبوت.» (طبرسی، ۱۳۳۹: ۷۳۶/۸)

در روایت دیگری از امام رضا علیه السلام چنین آمده است که حضرت بعد از شنیدن چنین نسبت ناروایی در مورد حضرت داوود علیه السلام از بعضی علمای اهل تسنن، سخت ناراحت شد، و دست بر پیشانی مبارک زد و فرمود: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ! شما پیامبری از پیغمبران الهی را به سستی در نمازش نسبت دادید تا آنجا که او را به فحشا و بعد از آن به قتل انسان بی‌گناهی متهم ساختید!» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۹۴/۱)

۴-۴. کشتار کودکان

در عهدین خشونت‌های خونباری به انبیای الهی مانند حضرت موسی و یوشع و عیسی علیه السلام منتسب شده است، از جمله حضرت موسی علیه السلام تمامی مردان و زنان اطفال حبشون را قتل عام می‌نماید (تثنیه، ۲۷/۲-۳۳) و پس از آن، شروع به کشتار ساکنان منطقه باشان که بیش از ۶۰ شهر داشته، می‌نماید و تمام اهالی آن را، چه مرد، چه زن و چه کودک، نابود می‌نماید (تثنیه، ۲/۳-۷)، سپس تمامی مردان و زنان و اطفال پسر مدیانیان را می‌کشند و تنها ۳۲۰۰۰ دختر باکره را برای اسارت باقی می‌گذارند! (اعداد، ۱/۳۱-۱۸)

پس از حضرت موسی علیه السلام، یوشع شروع به کشورگشایی می‌نماید و ابتدا به اریحا حمله کرده و پس از سقوط دیوارهای شهر، زن و مرد، پیر و جوان، گاو و گوسفند و الاغ، همه را از دم شمشیر می‌گذراند (یوشع، ۶/۱۵-۲۱)، سپس تمامی مردم شهر عای را می‌کشند و به آتش می‌سوزانند (یوشع، ۸/۱۹-۲۹)، آن‌گاه مردم چندین شهر از فلسطین را قتل‌عام می‌کند و یکی را باقی نمی‌گذارد (یوشع، ۱۰/۲۸-۴۴ و ۱۱/۷-۱۵).

پس از آنها، داوران بنی اسرائیل نیز شیوه مشابهی در پیش گرفتند، از جمله داوود به روستاهای فلسطینی در جت حمله می‌کرد و تمامی مردان و زنان آن شهر را می‌کشت (اول سموئیل، ۲۷/۵-۱۱). این کشتارهای خشونت‌بار دلایل متعددی دارد؛ از آن جمله که فرزندان قوم عمالیق در عصر شائول به‌خاطر آنکه پدرانشان در چند قرن قبل اجازه عبور به حضرت موسی علیه السلام و بنی اسرائیل ندادند، از این‌رو خداوند به شائول دستور می‌دهد «حال برو و مردم عمالیق را قتل‌عام کن. بر آنها رحم نکن، بلکه زن و مرد و طفل شیرخواره، گاو و گوسفند، شتر و الاغ، همه را نابود کن» (اول سموئیل، ۱۵/۳). این در حالی است که طبق آموزه‌های قرآن، کسی به‌خاطر گناه دیگری نباید عقوبت شود (انعام: ۱۶۴).

همچنین طبق نقل مکاشفه، عیسای مسیح علیه السلام نیز بعد از بازگشت مجدد دست به کشتار یک‌سوم ساکنان زمین خواهد زد! (مکاشفه، ۹/۱۵) در این کشتار جمع زیادی از انسان‌های بزرگ و کوچک، برده و آزاد کشته می‌شوند و گوشتشان خوراک مرغان آسمان می‌شود (مکاشفه، ۱۹/۱۱-۲۱) و سیلابی از خون کسانی که توسط عیسای مسیح کشته می‌شوند، به وسعت سیصد کیلومتر راه خواهد افتاد! (مکاشفه، ۱۴/۱۴-۲۰)

این در حالی است که قرآن مجید گرچه قرن‌ها بعد از حضرت موسی علیه السلام نازل شد و جزئیات بسیار ریز و بیش از صدها آیه درباره تاریخ زندگانی حضرت موسی و یوشع علیه السلام بیان کرده، اما هیچ اشاره‌ای به نسل‌کشی‌های خونباری که کتاب مقدس مدعی می‌شود، نمی‌کند. دستور جهاد در اسلام صرفاً جهت دفاع از خود (بقره: ۱۹۰) و یا دفع فتنه (بقره: ۱۹۳) است و هیچ‌گاه اجازه کشتار و آزار غیر نظامیان و یا کشتار زنان و کودکان در جنگ داده نشده است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز دستور می‌دهد در جنگ، پیر فرتوت و ازکارافتاده، کودک و زن (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۵۸/۱۵، ح ۱۹۹۸۵) و نیز نوجوان (فرد غیر بالغ) را نکشید. (همان، ح ۱۹۹۸۶)



۴-۵. احترام مادر

در کتاب مقدس از احترام عیسی علیه السلام به مادرش این گونه یاد می‌کند: «مادر من کیست؟ برادرانم کیستند؟ سپس به شاگردانش اشاره کرد و گفت: اینها هستند مادر و برادران من. هر که از پدر آسمانی من اطاعت کند، برادر، خواهر و مادر من است.» (متا، ۵۰-۴۶/۱۲) در جریان معجزه تبدیل آب به شراب، هنگامی که حضرت مریم از حضرت عیسی خواست که به صاحب مجلس کمک کند، با آهنگی سرزنش‌آمیز به او فرمود: «ای زن مرا با تو چه کار است!» (یوحنا، ۴-۳/۲)

ولی در قرآن کریم حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید: «وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا» (مریم: ۳۲).

۴-۵. صلیب

کتاب مقدس می‌گوید: «عیسی را به صلیب کشیدند و دو نفر دیگر را از این طرف و آن طرف و عیسی را در میان.» (یوحنا، ۱۹: ۱۸) اما قرآن می‌فرماید: «وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَأَنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا» (نساء: ۱۵۷). قرآن به صراحت مسأله مصلوب شدن مسیح را نفی می‌کند، این در حالی است که در هر چهار انجیل با صراحت، مسأله مصلوب شدن عیسی را مورد تأیید قرار می‌دهد (لوقا، ۲۳؛ مرقس، ۱۶؛ متا، ۲۷؛ یوحنا، ۱۹) و نمی‌توان تأیید کرد که عیسی هم طبق نظر قرآن مصلوب نشده و هم طبق نظر انجیل مصلوب شده است؟

۴-۶. سازنده گوساله

کتاب مقدس می‌گوید هارون گوساله طلایی را ساخت و بیان می‌کند: «و چون قوم دیدند که موسی در فرود آمدن از کوه تأخیر نمود، قوم نزد هارون جمع شده، وی را گفتند: برخیز و برای ما خدایان بساز که پیش روی ما بخرامند، زیرا این مرد، موسی، که ما را از زمین مصر بیرون آورد، نمی‌دانیم او را چه شده است. هارون بدیشان گفت: گوشواره‌های طلا را که در گوش زنان و پسران و دختران شماست، بیرون کرده، نزد من بیاورید. پس تمامی قوم گوشواره‌های زرین را که در گوش‌های ایشان بود، بیرون کرده، نزد هارون آوردند. و آنها را از دست ایشان گرفته، آن را با قلم نقش کرد، و از آن

گوساله ریخته شده ساخت، و ایشان گفتند: ای اسرائیل! این خدایان تو می باشند، که تو را از زمین مصر بیرون آوردند.» (خروج، ۱/۳۲-۴)

این در حالی است که قرآن این قرائت را قبول ندارد و می فرماید: «حُمِّلْنَا أَوْزَارًا مِّن زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ* فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورًا» (طه: ۸۸-۸۷).

قرآن حضرت هارون را جزء پیامبرانی قرار می دهد که به او وحی می شود (نساء: ۱۶۳) و با صراحت او را از گروه ستمکاری که گوساله پرستیدند، خارج می نماید و هارون به برادرش موسی می فرماید: «ای پسر مادرم، همانا قوم، مرا ضعیف کردند و قصد قتل مرا داشتند. مرا نزد دشمنان شماتت نکن و مرا جزء این مردم ستمگر قرار مده» (اعراف: ۱۵۰).

۷-۴. الوهیت عیسی

مسیحیان مستند به برخی از آیات عهد جدید (از جمله یوحنا، ۱/۱، ۲۰/۱۷، ۵۸/۸)، عیسی علیه السلام را خدا می شمارند، در حالی که قرآن مجید، اعتقاد به الوهیت مسیح را کفر دانسته و می فرماید: «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ...» (مائده: ۷۲). همچنین قرآن نسبت دادن فرزند به خدا را عقیده ای می داند که از فرط نادرستی و زشتی، نزدیک است به ازهم پاشیدن آسمانها و شکافتن زمین و فروپاشیدن کوهها بینجامد (مریم: ۸۸-۹۰). علاوه بر اینها، در قرآن بیان شده که عیسی علیه السلام، هرگز از بندگی خدا استنکاف نداشته است (نساء: ۱۷۲) و خود را از اینکه مردم را به الوهیت خویش و مادرش فرا خوانده باشد، بری می داند (مائده: ۱۱۶).

۸-۴. ایوب شکیبا

در قرآن، ایوب علیه السلام به عنوان فردی شکیبا معرفی می شود: «إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ» (ص: ۴۴)، ولی در کتاب مقدس، ایوب پیوسته نفرین، گله و شکایت می کند و در نهایت بی طاعت می شود. (ایوب، ۱/۳-۲۶)

۹-۴. تولد مسیح و تهمت به مریم

کتاب مقدس بیان می کند که مریم علیه السلام هنگام بشارت تولد عیسی علیه السلام باکره بود (لوقا، ۲۷/۱)، اما نامزدی به نام یوسف داشت که هنوز با هم ازدواج نکرده بودند؛ «مریم با یوسف نامزد شده بود، قبل از آنکه با هم در آیند، او را از روح القدس حامله یافت»



(متا، ۱۸/۱). هنگامی که یوسف دید مریم بدون مباشرت با او حامله شده است، تصمیم به جدایی از مریم گرفت، ولی در خواب، فرشته خدا بر او ظاهر شد و به وی گفت که فرزند در رحم مریم از جانب خداست (متا، ۱۹/۱-۲۱). به جز یوسف، هیچ کس دیگری متوجه تولد اعجاز‌آمیز عیسی نشد!

از ظاهر قرآن برمی‌آید که مریم علیها السلام ازدواج نکرده و حتی نامزد هم نداشته است (تحریم: ۱۲، آل عمران: ۴۷). از سیاق آیات قرآن برمی‌آید که مریم علیها السلام در زمان حامله شدن به عیسی علیها السلام با کسی نامزد نبود. از این رو وقتی مریم، عیسی را به دنیا آورد، یهودیان به او تهمت و افترا زدند، ولی عیسی در گهواره به سخن آمد و از مادرش دفاع کرد (مریم: ۲۶-۳۲).

۴-۱۰. بخشش قاتل

در قرآن مجید آمده است: «وَكُنْتُمْ عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ ... فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَّهُ» (مائده: ۴۵). با وجود اینکه بخش اول آیه، یعنی هر نفسی با نفسی قصاص می‌شود، در تورات وجود دارد (خروج، ۲۱؛ لاویان، ۱۷/۲۴-۲۱)، اما نقطه اختلاف در ادامه آیه است که قرآن می‌فرماید ما بر بنی‌اسرائیل نوشتیم که هر کس ببخشد، این گذشت کفاره گناهان او خواهد شد. نه تنها این آیه در تورات وجود ندارد، بلکه کاملاً خلاف آن در تورات آمده که نه تنها قاتل را نبخشید، بلکه بیان شده «هیچ فدیة به عوض قاتلی که مستوجب قتل است، نگیرید، بلکه او البته کشته شود» (اعداد، ۳۱/۳۵)^۳ و این درست برخلاف مسأله‌ای است که خداوند در قرآن می‌فرماید.

۴-۱۱. عصای موسی

قرآن معتقد است موسی علیها السلام عصای خود را انداخت و مارها را بلعید؛ «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ» (اعراف: ۱۱۷)، اما در تورات آمده که آن عصا، عصای موسی نبود، بلکه عصای هارون بود و هارون عصایش را انداخت و تبدیل به اژدها شد (خروج، ۱۰/۷).

۴-۱۲. ربا از غیر بنی‌اسرائیلی

قرآن می‌فرماید بنی‌اسرائیل از خوردن ربا نهی شده بودند: «أَخَذِهِمُ الرَّبُّ وَقَدْ نُهِوا عَنْهُ» (نساء: ۱۶۱) و این در حالی است که تورات به بنی‌اسرائیل اجازه رباخواری از غیر

یهودی را می‌دهد. در تنبیه آمده است: «غریب را می‌توانی به سود قرض بدهی» (تنبیه ۲۰-۱۹/۲۳).

۴-۱۳. ذکر آخرت

خداوند در سوره اعلی می‌فرماید درباره آخرت در صحف موسی و ابراهیم صحبت کردیم: «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى * إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى * صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى» (اعلی: ۱۷-۱۹)، این در حالی است که تمام تورات موجود را که بررسی می‌کنیم، هیچ بحثی درباره آخرت و بقای آن وجود ندارد.

۴-۱۴. تناقضات دلیل تحریف

علاوه بر اینکه قرآن مدعی است که در کتاب‌های آسمانی نباید تناقضی یافت شود و یکی از دلایل صدق قرآن، عدم وجود تناقض در آن دانسته شده است: «لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء: ۸۲)، ولی در عهدین تناقضات غیر قابل انکاری وجود دارد. از جمله می‌گوید: «یهویاکین هجده ساله بود که پادشاه یهودا شد.» (دوم پادشاهان، ۸/۲۴) و در جایی دیگر معتقد است: «یهویاکین هشت ساله بود که پادشاه شد.» (دوم تواریخ، ۹/۳۶)

یا در پادشاهان آمده: «گنجایش حوض مفرغی بزرگی که سلیمان در معبد ساخت دوهزار بت (۱۶ هزار گالن) بود.» (اول پادشاهان، ۲۶/۷) و در تواریخ می‌گوید سه هزار بت (۲۴ هزار گالن). (دوم تواریخ، ۵/۴) و یا در انجیل متا، عیسی مسیح عَلَيْهِ السَّلَام پیشگویی می‌کند که باید سه روز و سه شب در قبر ساکن شود (متا، ۴۰/۱۲)، ولی وقتی اناجیل داستان به صلیب کشیده شدن مسیح را نقل می‌کنند، چنین گزارش می‌دهند که مسیح در ساعت نهم روز قبل از سبت (شنبه) جان داد (مرقس، ۴۲/۱۲)، در غروب آن روز وی را دفن کردند و صبح زود یکشنبه وقتی هنوز هوا تاریک بود، مریم مجدلیه بر سر قبر آمد و قبر را خالی یافت (یوحنا، ۱/۲۰). بنابراین مسیح تنها دو شب و یک روز در قبر بود، نه سه شب و سه روز. و یا در سموئیل می‌نویسد: «جنگی که هددبن عذر کرد، هزار و هفتصد سوار و بیست هزار پیاده از او گرفت.» (دوم سموئیل، ۴/۸) اما در تواریخ درباره همان جنگ می‌گوید: «داوود هزار ارابه و هفت هزار سوار و بیست هزار پیاده از او گرفت.» (اول تواریخ، ۴/۱۸) و یا در اعداد بیان شده هارون در روی کوه



هورا مرد (اعداد، ۲۲/۲۰-۲۹)، اما در کتاب تنبیه آمده است هارون در موسیره وفات یافت (تنبیه، ۶/۱۰) و بین این دو مکان فاصله بسیار طولانی‌ای وجود دارد.

یوحنا زین‌دهان، اسقف قسطنطنیه که تعصب خاصی در مورد کتاب مقدس داشت نیز وجود اختلافات و تناقضات را در کتاب مقدس می‌پذیرد و می‌گوید: «بسیار می‌شود که اختلاف انجیل‌نویسان را مطرح می‌کنند، ولی این قطعاً دلیل محکمی بر حقانیت آنهاست. اگر آنان در مورد همه جزئیات و زمان و مکان و واژه‌ها با یکدیگر توافق می‌کردند، دشمنانشان سخنان هیچ یک از آنان را باور نمی‌کردند و می‌پنداشتند که این نوشته‌ها حاصل توافق آن انسان‌هاست و آن توافق را زائیده حقیقت محض نمی‌دانستند. در واقع همین ناهماهنگی در اندکی جزئیات، بدگمانی را از آن نویسندگان دور می‌کند و اعتبار ایشان را به اثبات می‌رساند. (پیترز، ۱۳۸۴: ۷۴/۳)

دن بارکر نیز می‌پرسد: «آیا اگر این گزارش‌ها با هم ناسازگاری نداشتند، نمی‌گفتید اینجا تباری رخ داده است؟» (Barker, 1996: April 2) پاپ پیوس دوازدهم می‌نویسد: «خدا خواسته است این مشکلات در کتاب مقدس وجود داشته باشد تا ما بر خواندن اصرار کنیم و با رغبت بیشتری آنها را موشکافی کنیم تا به شیوه‌ای سالم، محدودیت‌های خویش را دریابیم.» (Edward, 1999)

این در حالی است که وجود تناقضات و اختلافات میان بخش‌های مختلف تورات نیز می‌تواند نشانگر آسمانی نبودن کتاب موجود از منظر قرآن باشد. (رک: کاشانی، ۱۴۰۰: ۱۱۶-۳۰۵)

۵. تحریف کتاب مقدس از منظر روایات

از دیدگاه اسلامی، روایات و احادیث، مبین قرآن می‌باشند. در روایات متعددی آمده که تورات و انجیل تحریف شده است. احادیث متعددی با سند صحیح با این تعبیر آمده: «فی التورات الذی لم یُغیَّر». (کلینی، ۱۳۶۳: ۴۹۶/۲) یا مطالب زیادی را از تورات نقل می‌فرمایند: «مکتوباً فی التورات هکذا». (ابن بابویه، ۱۳۹۲: ۱۵۲/۱، ح ۷۰۲) که در تورات امروزی وجود ندارد. یا داستان‌های منسوب به انبیا در تورات را تکذیب می‌کند. همچنین در روایات و مناظرات معصومان علیهم‌السلام تصریح به تحریف تورات و انجیل شده است که در این مجال فرصت طرح این روایات نیست.

از همین رو بیشتر علمای اسلام معتقد به تحریف متون مقدس پیشین می‌باشند.^۴

۶. تحریف کتاب مقدس از منظر الهی‌دانان مسیحی و محققان

نظریه تحریف بخشی از عهدین تنها نظریه قرآن نیست، بلکه حتی بسیاری از الهی‌دانان مسیحی و یا محققان مستقل نیز این نظریه را تأیید می‌کنند. برخی از ایشان در مواجهه با اشتباهات موجود در عهدین تلاش می‌کنند تقصیر را گردن نسخه‌نویسان بی‌دقت انداخته و این اشتباه را ناشی از ناتوانی نسخه‌برداران در انتقال صحیح متن می‌دانند. (Bowden, 2015: 630) هرولد لینسن در کتاب *نبرد برای کتاب مقدس* به این نظریه اشاره می‌کند: «این کتاب در نسخه اصلی‌اش عاری از تمامی خطاهاست ...» (Lindsell, 1977: 31) آگوستین در توجیه تناقضات کتاب مقدس این راه‌حل را ترجیح می‌دهد و می‌نویسد: «من مؤکداً معتقدم هیچ‌یک از نویسندگان این کتاب‌ها در هیچ‌یک از مطالبشان خطا نکردند. اگر من چیزی در یکی از این نوشته‌ها بیابم که مغایر با واقعیت به نظر برسد، احتمال می‌دهم نسخه‌ای که دست من است، صحیح نیست یا اینکه مترجم نتوانسته مطلب را به درستی بیان کند یا اینکه من نتوانسته‌ام درست بفهمم.» (Forestell, "Biblical Inspiration": 2002)

برخی از الهی‌دانان مسیحی در مواجهه با اشتباهات موجود در عهدین به این نتیجه رسیدند که این کتاب صرفاً در حوزه رستگاری تحریف نشده است. آگوستین معتقد است: «روح القدس که از طریق نویسندگان کتاب مقدس سخن می‌گوید، نمی‌خواهد به انسان‌ها چیزی بیاموزد که نفعی برای رستگاری آنان ندارد.... ما در انجیل نمی‌خوانیم که خداوند گفته باشد من فارقلیط را می‌فرستم تا به شما حرکت ماه و خورشید را بیاموزد. او می‌خواهد مسیحی بسازد، نه ریاضیدان.» (Focant, 2004: 721)

لوتر پذیرفته بود که ناسازگاری‌ها و اشتباهاتی در کتاب مقدس وجود دارد، اما نتیجه گرفت که این موارد الزاماً حقیقت انجیل را زیر سؤال نمی‌برد. (Stanton, 1995: 8) ریموند اف. براون، عالم کاتولیک، در این باره به سند دی و ربوم (Dei Verbum) که یکی از اسناد پرنزاع و کلیدی است که در دومین شورای واتیکان درباره اعتبار کتاب مقدس است، استناد می‌کند. در این سند آمده که کتاب مقدس «محکم، مؤمنانه و بدون خطا و حقیقتی است که خداوند می‌خواسته تا در نوشته‌های مقدس برای رستگاری ما قرار دهد» (Pope Paul VI. 1965: Chapter III) به این معنا که این متون تنها در حوزه رستگاری کاملاً عاری از اشتباه است. (Brown, 1981: 19; Branick, 1998: 7) مطابق با این دیدگاه، لزومی ندارد کتاب مقدس در موضوعات باستان‌شناختی، تاریخی و



سیاسی قابل اعتماد باشد. در این عبارت، کلیسای کاتولیک با عقب‌نشینی از موضع قبلی خود، به جای واژه مدافعانه و سختگیرانه خطاناپذیری (Inerrancy)، واژه حقیقت (Truth) را به صورت مفرد به کار برد. (Camille, 2004: 721)

برخی از محققان نیز با اذعان به وجود خطا در عهدین، تلاش می‌کنند دامنه این تعریفات را محدود کنند. آ. رابرتسون، محقق بزرگ کتاب مقدس، در اثر خود به نام *مقدمه‌ای بر نقادی عهد جدید*، می‌گوید: «تنها یک‌هزارم از کل متن هنوز زیر سؤال است. بدین ترتیب، به روشنی معلوم می‌شود که ۹۹/۹ درصد عهد جدید فاقد هرگونه مغایرت یا تفاوت قابل ذکر است.» فیلیپ شاف مورخ برجسته قرن نوزدهم در کتابی به نام *همراه با عهد جدید یونانی و نسخه انگلیسی محاسبه نموده* که از بین ۱۵۰۰۰۰ تفاوت شناخته شده در زمان او، ۴۰۰ مورد به نوعی بر مفهوم متن تأثیر می‌گذارند و از آن بین، تنها ۵۰ مورد واقعاً مهم هستند. (گایسلر، ۱۳۹۵: ۱۸۱)

برخی از الهی‌دان‌های مسیحی با مشاهده تناقضات و خطاهای متعدد کتاب مقدس، اعتقاد جزمی به خطاناپذیری کتاب مقدس را رد کرده و نظریه «خطاناپذیری تعدیل‌شده» را مطرح می‌کنند. اینان بر این اعتقادند که نویسندگان کتاب مقدس، پیام الهی را با باورهای اشتباه رایج در آن روزگار همساز کرده‌اند و از این رو نوشته‌های آنان حاوی خطاهایی واقعی در مسائل پیرامونی است. (Foos, Paige 2000: 98)

از نظر این الهی‌دان‌ها، هدف خداوند اعطای مکاشفه به انسان‌ها از طریق محبت نجات‌دهنده‌اش در عیسی مسیح است. در واقع مکاشفه اصلی خداوند، یعنی نجات، به وسیله نوشته‌هایی که کاملاً خطاپذیر هستند، بدون اشتباه و لغزش انتقال یافته است. (Ibid)

ویلیام آبراهام برای جمع میان حجیت کتاب مقدس و خطاهای موجود در آن، مدلی از الهام را ارائه کرد که بر اساس آن، الهام مانند رابطه یک معلم و دانش‌آموز است. خدا در نقش معلم مطالبی را به دانش‌آموزانش که انبیا هستند، منتقل می‌کند. در این رابطه گرچه معلم مطالب را به درستی به دانش‌آموزان منتقل می‌کند، اما دانش‌آموزان بسته به استعداد و فعالیت و گیرایی‌شان، الهام را دریافت می‌کنند و هیچ تضمینی وجود ندارد که دانش‌آموزان یا همان انبیا، وحی را به درستی و یا به نحو کامل دریافت کرده باشند و «دریافتشان کاملاً منطبق بر منظور معلم باشد.» (Trembath, 1987: 65) این تفسیر از الهام، بسته به استعدادهای مخاطبینش، دارای درجات گوناگونی است و توانایی‌ها و

ویژگی‌های الهام‌گیرنده در پدیدآمدن سبک‌ها، کلمات و حتی محتوا تأثیر می‌گذارد و هیچ تضمینی برای خطاناپذیر بودن الهام وجود ندارد.

اما بسیاری از محققان، معتقد به خطاپذیری کتاب مقدس و نفی حجیت آن شدند. باروخ اسپینوزا (۱۶۳۲-۱۶۷۷ م)، نوشتاری به‌عنوان رساله الهی سیاسی (Tractatus Theologico-Politicus) در این باره نوشت و کتاب مقدس را کتابی سرشار از تناقض معرفی کرد. (Strauss, 1997: 206) در عصر روشنگری، توماس پین (۱۷۳۶-۱۸۰۹) کتابی با نام عصر استدلال (Paine, the Age of Reason) درباره ناسازگاری‌های متنی کتاب مقدس نوشت. در سال ۱۸۶۰، ویلیام هنری بور فهرستی از ۱۴۴ تناقض درونی در کتاب مقدس فراهم کرد. (Burr, 1987: 1860)

در کتاب تفسیر کتاب مقدس آکسفورد، در این باره آمده است: «همان‌طور که از مدت‌ها پیش مشخص شد، تعدادی از تفاوت‌ها یا تضادها در جزئیات این متون وجود دارند که نشان‌دهنده این هستند که بر اساس دو یا چند منبع مرکب نوشته شده‌اند.» (Barton and Muddiman, 2013: 42) علاوه بر این، شنایر لیمن (Shnayer Leiman) می‌نویسد: «خطاهایی حتی در بهترین نسخه‌های تورات نیز نفوذ کرده‌اند؛ به نحوی که اغلب اتفاق می‌افتاد توراتی که برای مردم خوانده می‌شد، به دلیل خطاهایی که در آن یافت می‌شد، به صندوقچه بازگردانده می‌شد.» (Leiman, 1996: 186) فرانسیس واتسون می‌نویسد: «این مسأله را نمی‌توان با این ادعا که این تناقضات جزئی هستند، مرتفع نمود ... [آنها] چیزی بیشتر از تناقضات جزئی هستند و تعداد زیادی از این تناقضات در کتاب مقدس وجود دارد و اغلب مرتبط با مسائلی در قلب ایمان و زندگی مسیحی هستند.» (Watson, 2013: 14)

بارت ارمن نویسنده یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های دهه اخیر در نقد کتاب مقدس می‌نویسد: «برای کسانی که باور دارند کتاب مقدس عین کلام خدا و وحی منزل است، اهمیت دارد که چنین باوری زیر سؤال برده شود؛ زیرا حقیقت این است که در برخی موارد، ما اصل این سخنان (کلام خدا) را نداریم و در بسیاری موارد، خود سخنان مشکوک هستند (باید متذکر بشوم که وضعیت شناخت ما از کتاب مقدس عبری اصلی، خیلی خراب است. وضعیت لفظی متن کتاب مقدس عبری، واقعاً نابسامان است).» (Ehrman, 2017: 26 March)



نتیجه گیری

با توجه به آنچه گفته شد، می توان نتیجه گرفت طبق دیدگاه قرآن، حکم خدا در عهدین موجود آمده، اما نمی توان گفت تمامی آن مجعول است؛ زیرا بسیاری از بخش های آن مورد تأیید قرآن بوده و قرآن به عهدین موجود در زمان نزول قرآن ارجاع می دهد و به صراحت از وجود حکم خدا در آن خبر می دهد. اما در عین حال برخی از آیات آن حذف و برخی از آیات نیز به آن افزوده شده است. ولی این مسأله هیچ گاه به اثبات کلی یا نفی کلی تورات و انجیل نینجامیده است. در احادیث اسلامی ضمن اینکه به موارد تحریف شده آن اشاره شده، اما در مواردی نیز به همین کتاب استناد شده است. از این رو می توان گفت که بخشی از عهدین موجود کاملاً مورد تصدیق قرآن قرار دارد، و بخشی از آن کاملاً از نظر قرآن مردود است. اما اینکه این میزان دقیقاً چند درصد از عهدین را شامل می شود و آیا بیشتر محتوای عهدین مورد تأیید قرآن است یا خیر، یک پرسش اجتهادی است که بررسی های دقیق تری را می طلبد.

پی نوشت ها

- ۱- در آیه ۷۸ بقره درباره «الکتاب» صحبت شده و منظور همان کتاب آسمانی است و در این آیه نیز درباره کتابی صحبت شده که یهودیان آن را نوشتند و سپس به خدا منتسب کردند.
- ۲- لازم به ذکر است که تلمود نمی تواند منظور این آیه باشد؛ زیرا تلمود یک کتاب استدلالی فقهی یهود و نوشته دانشمندان متأخر یهودی است.
- ۳- فقط در یک مورد جایگزینی دیه پذیرفته شده است و آن، قتل به تسبیب است: اگر مردی بداند که گاوش شاخزن است، ولی آن را نگاه ندارد و گاو کسی را بکشد، در این صورت صاحب گاو نیز، به همراه گاو، محکوم به قتل است، مگر اینکه اولیای دم به خونبها رضایت دهند. در این صورت دیه جانشین مجازات قتل می شود (خروج، ۲۱: ۲۹-۳۰).
- ۴- رجوع کنید به: ابن حزم (۱۴۰۵: ۲۰۲/۱-۲۸۵)، مؤیدالدین سموئیل مغربی (۷۰)، نویسنده *فیحام الیهود* (هاشمی و مهدوی راد، ۱۳۹۳: ۳۳۲۵/۶)، شیخ طوسی (۱۳۸۷: ۲۹۵/۳)، طبرسی (۱۳۳۹: ذیل مائده: ۵)، قاضی ابن البراج (۱۴۰۶: ۳۱۴-۳۱۵)، همچنین محقق حلی (۲۰۱۹: ۲۵۶/۱)، علامه حلی (۱۴۲۰: ۳۰۰/۳ و ۱۴۱۴: ۱۲۷/۹) و شهید ثانی (۱۴۱۳: ۸۹).

فهرست منابع

۱. ابن البراج، قاضی عبدالعزیز (۱۴۰۶ق)، المذهب، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۲ق)، من لایحضره الفقیه، تهران: مکتبه الصدوق،
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران: جهان.
۴. اسپینوزا (۱۳۸۷)، «مصتف واقعی اسفار پنج گانه»، ترجمه علی رضا آل بویه، هفت آسمان، شماره ۱، ص ۸۹-۱۰۳.
۵. اندلسی، ابن حزم (۱۴۰۵ق)، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، بیروت: چاپ محمد ابراهیم نصر و عبدالرحمان عمیره.
۶. پیترز، اف. نی (۱۳۸۴)، یهودیت، مسیحیت و اسلام، ترجمه: حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، تفصیل الوسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۸. حلی، جعفر بن حسن (۲۰۱۹)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: نشر اداب.
۹. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ق)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق)، تذکره الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۱. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق)، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیه، مشهد: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۲. دره حداد، یوسف (۱۹۸۶)، القرآن دعوة نصرانیة، بیروت: المکتبة البولسیة.
۱۳. شریف مرتضی، علی بن حسین (۱۴۰۷ق)، الشافی فی الامامة، تهران: مؤسسه الصادق.
۱۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۵)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۳۹)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالمعارف الاسلامیه.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران: المکتب المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة.
۱۸. فخر رازی، محمد بن عمر (بی تا)، التفسیر الکبیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران: انتشارات صدر.
۲۰. کاشانی، محمد (۱۴۰۰)، در آمدی بر سازگاری ها و ناسازگاری های عهدین، قم: فروغ فردا.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۲. گایسلر، نورمن (۱۳۹۵)، پاسخ به اتهام، نسخه الکترونیک، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
۲۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. مظفر، محمد حسن، محمد حسن (۱۹۷۶)، دلایل الصدق، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۲۵. هاشمی، محمد منصور؛ مهدوی راد، محمد علی (۱۳۹۳)، دانشنامه جهان اسلام، واژه تحریف.

26. Barker, Dan. (1996), «Did Jesus Really Rise from the Dead?." *Debate with Michael Horner at the University of Northern Iowa, April 2.*
27. Barton, John and J. Muddiman, (2013) *the Oxford Bible Commentary*, Oxford University Press.
28. Bowden, John, (2005), *Christianity: The Complete Guide*, London: Continuum.
29. Branick, Vincent P., (1998), *Understanding the New Testament and Its Message: An Introduction*, Paulist Press.
30. Brown, Raymond, (1981), *The Critical Meaning of the Bible*, Paulist Press.
31. Burr, WH., (1987), *Self-Contradictions of the Bible*, reprinted Library of Alexandria.
32. Camille, Focant, (2004), «Holy Scripture», in: Lacoste, Jane-yves (ed), *Encyclopedia of Christian Theology*, New York Routledge.
33. Edward P., Sri, (1999), «Taking God at His Word: A Catholic Understanding of Biblical Inerrancy», Catholics United for the Faite Inc.
34. Ehrman, Bart D., «Why Textual Variants Matter for the Rest of Us?»; retrived on 26 March, 2017, from <https://ehrmanblog.org/why-textual-variants-matter-for-the-rest-of-us/>
35. Foos, H. D., and L. Paige Patterson. (2000), «The revelation, inspiration, and inerrancy of the Bible." *The fundamentals for the twenty-first century: Examining the crucial issues of the Christian faith*: 85-110.
36. Forestell, J. T., (2002), «Biblical Inspiration», in: New Catholic Encyclopedia. Gale Research Inc; 2nd edition
37. Leiman, SZ. (1996), «Response to Rabbi Brewer», in: Carmy, S. (ed), *Modern Scholarship in the Study of Torah: Contributions and Limitations*, Rowman & Littlefield.
38. Lindsell, (1977) Harold, *the Battle for the Bible*, Zondervan.
39. Paine, Thomas, (2010), *the Age of Reason*, Merchant Books.
40. Pope Paul VI. Dei Verbum, (1965), Chapter III, Retrieved: https://www.vatican.va/archive/hist_councils/ii_vatican_council/documents/vat-ii_const_19651118_dei-verbum_en.html.
41. Spinoza, Benedictus, (2012), *De Tractatus Theologico-Politicus*, Forgotten Books.
42. Stanton, Graham (1995), *Gospel Truth? New Light on Jesus and the Gospels*, HarperCollins.
43. Strauss, L. (1997), *Jewish Philosophy and the Crisis of Modernity: Essays and Lectures in Modern Jewish Thought*, SUNY Press.
44. Trembath, Kern Robert, (1987), *Evangelical Theories of Biblical Inspiration: A Review and Proposal*, New York: Oxford University Press.
45. Watson, F., (2013), *Gospel Writing: A Canonical Perspective*, Wm. B. Eerdmans Publishing.

